

ترجمه و برداشتی

از:

قرآن مجید

جزوه ییست و هشتم

ترجمه و برداشت: از استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِوَا عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

این جزوه باموضوع بندی مسئله «تزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تزکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تزکیه نفس است در این جزوه آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبّر بیشتری در قرآن و توجّه دوستان به سخنان حضرت حقّ جلّ و علایادآوری شده است.

تا ان شاء الله سالکین إلى الله با تأمل زیادتری موفّق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوه قرائت می شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیانی که مربوط به تزکیه نفس است را پشت سر هم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوه آورده شده است و بعدها سایر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه ای آورده خواهد شد ان شاء الله.

به امید موفقیت و السلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آيات ٤٣-٤٢ از سورة مباركة يوسف

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعَ

سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِن كُنْتُمْ

لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ ﴿٤٣﴾ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَ مَا مَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ

بِعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ

فَارْسِلُونِ ﴿٤٥﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ

عِجَافٌ وَ سَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ

لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي

سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا

قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ

النَّاسُ وَ فِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ اثْنُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ

ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَسْأَلْهُ مَا بَالُ النُّسُوءِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي

بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿٥٠﴾ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ

حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ

أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٥١﴾ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ

بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٢﴾ وَ مَا أَبْرَى نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ

لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾ وَ قَالَ الْمَلِكُ

اِئْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ

أَمِينٌ ﴿٥٤﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾ وَ كَذَلِكَ

مَكَّنَّا يُّوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ

وَ لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا

يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾ وَ جَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ

مُنْكَرُونَ ﴿٥٨﴾ وَ لَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَا

تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَ أَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾ فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ

لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾ قَالُوا سَرَّادُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾ وَ

قَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى

أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦٢﴾

ترجمه آیات ۴۳-۶۲

و شاه گفت: من در خواب می دیدم هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر می خورند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک را دیدم. ای بزرگان، نظرتان را درباره خواب من بگوئید، اگر می توانید خواب را تعبیر کنید. (۴۳)

گفتند: این خوابها باطل و بیهوده است و ما تعبیر خوابهای باطل و بیهوده را نمی دانیم. (۴۴)
و آن کسی که از آن دو زندانی، نجات یافته بود، بعد از مدّت زمانی به یاد آورد. گفت: من به شما تعبیر این خواب را خبر می دهم، پس مرا بفرستید. (۴۵)

یوسف، ای راستگو، نظر بده به ما درباره هفت گاو چاقی که هفت گاو لاغر آنها را بخورند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک. من شاید به طرف مردم برگردم، شاید آنها بدانند (که چه باید بکنند). (۴۶)

یوسف گفت: هفت سال پشت سر هم گندم می کارید و هر چه را درو می کنید، آن را در خوشه اش بگذارید، مگر کمی که می خواهید بخورید. (۴۷)

سپس بعد از آن، هفت سال سخت می رسد که باید آنچه را که در قبل ذخیره کرده اید بخورید، مگر مقدار کمی که برای بذر نگه می دارید. (۴۸)

سپس بعد از آن، سال خوبی که در آن باران رحمت بر مردم می بارد و میوه و فشرده ها زیاد می گردد، خواهد آمد. (۴۹)

و پادشاه گفت: یوسف را نزد من بیاورید. وقتی فرستاده نزد یوسف رفت، یوسف گفت: برگرد نزد اربابت. از او سؤال کن که جریان زنانی که دستهای خود را بریدند چه بود؟ زیرا قطعاً پروردگار من به حيله آنها دانا است. (۵۰)

پادشاه به زنان گفت: آن وقتی که یوسف را برای رابطه با او دعوت کردید، جریان شما چه بود؟ زنها گفتند: حاشا لله، ما هیچگونه بدی از او اطلاع نداریم.

زن عزیز مصر گفت: الان حق آشکار شد. من او را به خود دعوت کردم و می خواستم با او ارتباط داشته باشم و قطعاً او از راستگویان است. (۵۱)

این گفتار به خاطر این است که بداند من در پشت سر او به او خیانت نکردم و قطعاً خدا حیلۀ خیانت کنندگان را راهنمایی نمی کند. (۵۲)

و من خود را تبرئه نمی کنم. قطعاً نفس، انسان را بسیار به بدی امرکننده است، مگر آنکه را پروردگار من رحم کند. قطعاً پروردگارم بخشنده مهربانی است. (۵۳)

و پادشاه گفت: او را نزد من بیاورید تا او را از خواص خود گردانم. پس وقتی که با او حرف زد، به یوسف گفت: تو امروز نزد ما با قدرت و مورد اعتمادی. (۵۴)

یوسف گفت: مرا مدیر خزائن زمین قرار بده. قطعاً من نگهدارنده دانائی هستم. (۵۵)

و اینگونه ما برای یوسف در روی زمین قدرت و تمکّن قرار دادیم. او هر کجا که می خواست در زمین منزل می کرد. ما رحمت خود را نصیب هر کس که بخواهیم می کنیم و اجر نیکوکاران را ضایع نمی کنیم. (۵۶)

ولی یقیناً اجر آخرت برای کسانی که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده اند، بهتر است. (۵۷)

برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند و یوسف آن ها را شناخت ولی آن ها او را نشناختند. (۵۸)

و وقتی بارهای آن ها را مجهّز کرد، گفت: برادر پدریتان را نزد من بیاورید. آیا نمی بینید که من پیمانۀ را کامل می دهم و من بهترین میزبانان هستم؟ (۵۹)

پس اگر او را نزد من بیاورید، پیمانۀ ای نزد من برای شما نخواهد بود و نزدیک من نشوید. (۶۰)

گفتند: ما به زودی با پدرش درباره او گفتگو می کنیم و قطعاً ما این کار را خواهیم کرد. (۶۱)

و یوسف به خدمتگزارانش گفت: مبلغشان را که پرداخته اند، در بارهایشان بگذارید. شاید آن ها وقتی به نزد خانواده شان می رسند، آن را پیدا کنند و شاید به این خاطر برگردند. (۶۲)

برداشت از آیات ۴۳-۶۲

سالک الی الله باید امور زیر را که برداشتی از این آیات است، مورد توجّه قرار دهد:

اول: سالک الی الله باید نسبت به مردم و حتّی دشمنان، مهربان باشد، آن ها را صحیح راهنمایی کند و نگذارد بی جهت به آن ها صدمه ای وارد شود.

دوم: سالک الی الله باید نفس امارۀ به سوء خود را با جهاد با نفس، به امارۀ به نیکی تغییر دهد و این کار فقط با تزکیۀ نفس انجام می گردد.

سوم: سالک الی الله باید بکوشد که اگر به قدرتی دست یافت، خود را مقهور آن قدرت قرار ندهد و به خصوص با اقوام و نزدیکانش صلۀ رحم کند و نگذارد آن ها از اعمال زشت گذشته خود زیاد شرمندۀ گردند.